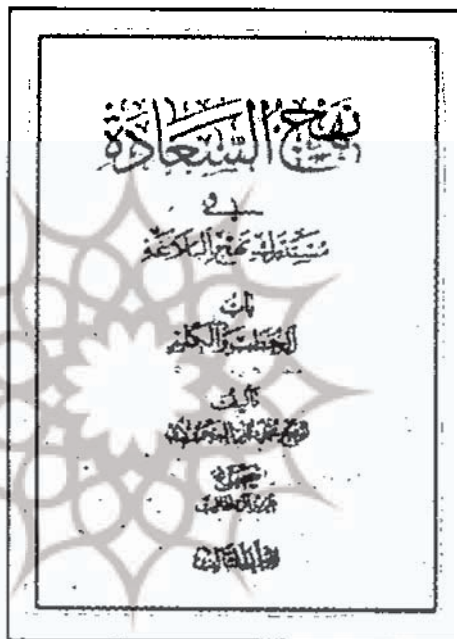


«نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه»

دروازه خوشبختی

کتاب برگزیده سال ۱۳۷۷

● مرتضی اخوان



- نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه
- محمدباقر محمودی
- تصحیح عزیز آل طالب
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- چاپ اول: ۱۳۷۷
- قطع وزیری در دوازده جلد

اساس کار استاد محترم
تنظیم تاریخی مطالب است، لذا مثلا خطبه‌ها
به دو بخش تقسیم شده است:
بخش نخست،
خطبه‌هایی را شامل است که
تاریخ صدور آنها روشن است
و بخش دوم، دربرگیرنده خطبه‌هایی است
که زمان شان نامشخص است.

می‌رسد و مادرش نیز از نواده گان امام زین العابدین علیه السلام است .

دوران زندگی او، کوتاه ولی با ثمرات فراوان و جاودان است . هر چند وی ، استاد نظم و نثر و ماهر درعلوم بلاغی و... است ، ولی تالیفات و پژوهش های او منحصرا به مسائل ادبی و زبان شناختی نیست .

نهج البلاغه

یکی از گردآوری های مهم و گران سنگ شیعه ، بلکه عالم اسلام ، کتاب شریف و بی مانند نهج البلاغه است . در اهمیت اش همین بس که آن را « اخ القرآن » نامیده اند .

داستان گردآوری سخنان امیر بیان علیه السلام وتالیف نهج البلاغه از زبان شریف رضی ، رضوان الله علیه ، با ترجمه‌ی شیوا و گیرای دکتر شهیدی حفظه الله ، چنین است :

... من ، در روزگار جوانی و هنگام شادابی درخت زندگانی ، به نوشتن کتابی پرداختم و گردآوری فضیلت های خاص پیشوایان دین را و وجهه ی همت ساختم تا گلچینی از گلستان اخبار و درجی از گوهرهای گفتار آنان باشد .

آن چه مرا به این کار واداشت ، در آغاز کتاب نوشتم و بر دیگر مطلب ها مقدم داشتم . از فصلی که مخصوص امیر مومنان علی علیه السلام است ، فارغ گشتم . اما گردش روزگار نساخت و انجام کار را به عهده ی درنگ و تاخیر انداخت .

آن چه آماده بود، در باب هایی جای داده بودم و در هر باب ، چند فصل نهاده و فصل آخرین ، سخنانی کوتاه از امیر مومنان علیه السلام را دربرگرفت ، از پندها، حکمت‌ها، آداب و مثل های شگفت ، مگر خطبه‌های دراز و نامه‌های مفصل که در کتاب جای نگرفت .^۱

تنی چند از دوستان و برادران ، آن چه را در آن فصل بود، نیکو شمردند و از دیدن آن معنی های زیبا و اسلوب بدیع و دلربا لذت بردند و به شگفت مانند و خواستند تا کتابی بپردازم و گزیده‌ی سخنان مولا امیرالمومنین را در آن فراهم سازم، گفتارهایی از همه‌ی فنون و مجموعه‌ای از همه گون : از آداب و پند یا نامه یا خطبه های کوتاه و بلند؛ که می دانستند چنین کتاب ، طراز فصاحت خواهد بود و پیرایه‌ی بلاغت ، عربیت را بها فرایز و دین و دنیا را به کار آید؛ که بلاغتی چنان، نه در گفتاری فراهم آمده است و نه یک جا در کتابی هم؛ چه امیر مومنان ، سرچشمه‌ی فصاحت است و آبشخور بلاغت .

و من پذیرفتم که این کار را آغاز کنم ؛ چه می‌دانستم سودی بزرگ دربر دارد و ناصی بلند بر اثر و اندوخته‌ای است برای روز محشر .

و کوشیدم چند که بتوانم بهای این سخنان را در بازار فصاحت و دیده‌ی صرافان بلاغت آشکار کنم و محاسن بسیار و فضیلت‌های بی شمار را که در آن نهفته است ، پدیدار؛ و نشان دهم که علی علیه السلام در این میدان ، یکه تاز است و از دیگران ممتاز... نیز می‌خواستم مرا روا باشد که بگویم شاخی از آن درخت پر بارم و گلینی از آن گلزار، همچون فرزدق بنامزم و بر جریران عصریتازم که : « تبارم این است و که را گوهر پرمایه تراز این است؟ ».

و دیدم که سخنان امام ، بر محور سه مضمون است

دو قرن چهار و پنج ، حقا، از درخشان ترین زمان‌ها در تاریخ تشیع است . این دو قرن ، از بسیاری از جهات ، باقرن‌های قبل و بعد از خود، تفاوت دارد. ولادت و پلاندگی صدها تن از علمای بزرگ - که نظیر بسیاری از آنان را در قرن های دیگر، کم تر می‌توان یافت - در این زمان است؛ کسانی مانند شیخ کلینی ، شیخ صدوق ، شیخ مفید، شیخ طوسی ، شریف مرتضی در آن عصر می‌زیستند؛ کتب اربعه و صدها کتاب دیگر از امهات کتب شیعه، در آن زمان تدوین یافت ؛ علمای شیعه ، فرصت یافتند تا به اثبات حقانیت تشیع بپردازند؛ توجه‌گری بر سیدالشهداء علیه السلام و زیارت قبور ائمه علیهم السلام و... در این برهه رواج علنی یافت .

شریف رضی

ابوالحسن محمدبن الحسین الموسوی ، معروف به « سید رضی » و « شریف رضی » از جمله دانشمندان این عصر است . وی ، در نیمه ی دوم سده ی چهارم هجری قمری ، یعنی سال ۲۵۹ به دنیا آمد و تا سال ۴۰۶ هجری قمری زیست .

پدرش با پنج واسطه به امام موسی بن جعفر علیهما السلام

دو قرن چهار و پنج، حقا، از درخشان ترین زمان ها در تاریخ تشیع است. این دو قرن، از بسیاری از جهات، با قرن های قبل و بعد از خود، تفاوت دارد: ولادت و بالندگی صدها تن از علمای بزرگ - که نظیر بسیاری از آنان را در قرن های دیگر، کم تر می توان یافت - در این زمان است؛ کسانی مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شریف مرتضی در آن عصر می زیستند؛ کتب اربعه و صدها کتاب دیگر از امهات کتب شیعه، در آن زمان تدوین یافت؛ علمای شیعه، فرصت یافتند تا به اثبات حقانیت تشیع بپردازند؛ نوحه گری بر سیدالشهداء علیه السلام و زیارت قبور ائمه علیهم السلام... در این برهه رواج علنی یافت.

یکی از گردآوری های مهم و گران سنگ شیعه، بلکه عالم اسلام، کتاب شریف وی مانند نهج البلاغه است. در اهمیت اش همین بس که آن را «أخ القرآن» نامیده اند.

علمای اخیر گشتم و بعضی از کتاب های اهل سنت را که نزد بود - با وجود اینکه به آن کتاب ها سخت محتاج بودم، اما دسترسی به بسیاری از آن ها نداشتیم - نظری افکندم، دیدم آن چه را که به چشم سید رضی نخورده است و یا خود او نیآورده، کم تر از آن چه - در نهج البلاغه - جمع کرده، نیست.

بنابراین، بر نگارش کتابی که شامل سخنان آن حضرت - جدای از آن چه در نهج البلاغه آمده - نباشد، عزم ام را جزم کردم.

و چون موضوع دوم (جمع آوری باقی کلمات حضرت) اهمیت اش بیش تر بود، نهایت توان و غایت نیرویم را برای آن به کار بردم و به ترتیب بخشی و تالیف گردآورده ها مشغول شدم و بحمدالله و منه از سخنان حضرت امیر مومنان علیه السلام در همان باب های سه گانه ای که سیدرضی ترتیب داده، چند برابر نهج البلاغه گردآوردم و بر تمام آن ها شواهد خارجی - که شواهد داخلی هم آن ها را تایید می کند - اقامه کردم، آن گونه که اگر انسان منصف ژرف نگر، آن را بنگرد و دانشمند ماهر، در آن تدبیر کند، هر آینه گوید: «سبحان الله! این، جز از وصی نبی نیست؛ این، جز از امام بسیار دانا که ایزد او را اختیار کرده و برای جانشینی رسول کریم اش و آموزش دین استوارش و کتاب پندآموزش برگزیده، نیست...»

این مجموعه را «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» نامیدم.

استاد بزرگوار، در ابتدا قصدشان این بود که در کتاب حاضر، مطالب نهج البلاغه را همراه با مصدراشان - که او یافته بود - نیز بگنجانند، اما با مشاهده کتاب «مصادر نهج البلاغه» از سید عبدالزهراء الخطیب - که تالیف آن مصادف با تدوین زحمات جناب آقای محمودی بوده - منصرف می شوند و بر آن ها حلیه کتابی جدید به نام «اسانید نهج البلاغه» شواهد «را می پوشانند.

چاپ تازه ی نهج السعاده^۲، در دوازده جلد و شش باب

ایشان، از سوی دانشمندان سنی و شیعی به نگارش درآمده است، اما با نگارش پاورقی های مفصل، آن ها را می توان تالیف نیز نامید.

شیدایی ایشان نسبت به نهج البلاغه باعث شد که سال های فراوانی را در سندیابی روایات نهج البلاغه و گردآوری دیگر کلمات هدایت گر حضرت وصی علیه السلام بگذرانند. شرح تدوین نهج السعاده، به قلم ایشان چنین است: «اول ربیع الاول سال ۱۳۶۴. مطابق با ۱۳۲۳ خورشیدی و ۱۹۴۵ میلادی. به مرکز و جایگاه مردان دین، نجف اشرف، رسیدم. بعضی از بزرگان از خویشان، رحمه الله، بر علم آموزی کمک ام کرد و در حجره ی خودش در مدرسه ی قزوینی جایم داد.

من، به فراگیری علوم متناول بین طلبه ها در آن زمان مشغول شدم، اما به سبب طبیعت ام و آن چه در فطرت ام جای گرفته و در قلب ام کاشته شده بود، توجه ام به کتاب های تفسیر و کلام وحیدیت و تاریخ، بیش تر، و نشاطم در آن ها کامل تر، و علاقه و شوق ام به آن ها شدیدتر و سخت تر بود.

[خصوصاً] به معجزه ی جاوید علوی، یعنی کتاب نهج البلاغه، گرایش ویژه ای داشتم، لذا آن را هم صحبت شب ام و انیس روزم و همدم تنهایی ام و برطرف کننده ی ناراحتی و اندوهام قرار دادم.

هر اندازه که در آن نظر می انداختم و فکر را در آن به جولان در می آوردم، باوری بر باورم که این کتاب، پرتوی از انوار علوی و قطره ای از بهنوار دریای علوم مرتضوی و تراوشی از دارنده ی دانش دین و رشحه ای از معارف سید اوصیا علیهم السلام و خلیفه ی مهتر انبیا علیهم السلام است، افزوده می شد.

هر قدر کتاب های اخبار را کاویدم و جوامع ادب و آثار را ورق زدم و بر تفاسیر و تواریخ دست یافتم، [بیش از گذشته] برای آن، مصدراهای مطمئن و مدرک های قوی و استوار و قدیمی یافتم...

پس از آن که بر سیره ی منحرفان و رویه و منش رویگردانان از امیرمومنان علیه السلام آگاه شدم و از دشمنی آنان با حضرت، شکفت زده شدم و دوستان را دیدم که در موضع ضعف اند و شیعیمان - در مقابل این ظلم - بی اعتنائند و در پایدار کردن حق و نابودی باطل، کوتاهی می کنند و دشمنان ما با تمام توان بر ما هجوم می آورند، بر خاطرم گذشت که برای نهج البلاغه، مصدرنامه ای بنویسم و در آن هر سند محکم و ماخذ معتبر و درست، گرد آورم تا بعضی از حقوقی که بر علما است، یعنی ارشاد جهال و نابود کردن کید افراد باطل و گمراهان و استوارسازی حقایق و تقویت مطالب ثابت را انجام داده باشم؛ زیرا می دانم که در تالیفی چنین، حق، استوار می گردد و باطل، نابود می گردد و انظار و عقاید اهل حق تقویت می شود. این کار، اصول اعتقادی را محکم می کند و مسائل علمی را رواج می دهد و مکارم اخلاق را نیرویی جدید می بخشد و قوانین اسلامی را ناپتر می نمایاند و مستقلات عقلی را تایید می کند.

آن هنگام که آستین جد و جهد را بالا زدم و در کتاب های

و از سه دسته نفاس گفتار، مشحون: خطبه و فرمان؛ نامه به این و آن؛ حکمت و اندرز برای پند پذیران... و چون چنین دیدم، کتاب را نهج البلاغه نامیدم؛ چه، درهای بلاغت را بر بیننده باز می کند و طالبان را بدان فراز می خواند. هر چه دانشمند و دانش آموز بخواهد، در آن است و مطلوب بلیغ و زاهد، در آن موجود و نمایان...

با پدید آمدن نهج البلاغه، این کتاب، مورد توجه دانشمندان از شیعه و سنی قرار گرفت و ترجمه ها و شرح ها و استدراک های آن و... در بازار دانش طلوع کرد. تعداد این آثار، بالغ بر چهارصد است و هر روز نیز بر آن افزوده می شود.

برخی از استدراک های نهج البلاغه و گردآوری سخنان حضرت علی علیه السلام که در این اواخر به انجام رسیده، به شرح زیر است:

- ۱- مسند علی علیه السلام، سیدحسن علی قیابجی نجفی [ظاهراً، قرار است که انتشارات اسوه، این کتاب را در ده جلد چاپ کند].
- ۲- مسند علی علیه السلام، شیخ عزیزالله عطاردی؛
- ۳- مسند الامام علی علیه السلام، صابری همدانی؛
- ۴- مسند علی ابن ابی طالب، یوسف ازبک [هفت جلد، شامل ۱۷۴۸۲ حدیث].
- ۵- مستدرک نهج البلاغه (مصباح البلاغه)، حسین میرجهانی جرقونی اصفهانی؛
- ۶- مستدرک نهج البلاغه، شیخ هادی کاشف الغطاء؛
- ۷- موسوعه احادیث امیرالمومنین، بنیاد نهج البلاغه [تاکنون یک جلد از آن که درباره ی حضرت مهدی علیه السلام است، منتشر شده است].
- ۸- نهج البلاغه الثانی، شیخ حائری؛
- ۹- تمام نهج البلاغه، سید صادق موسوی [در این کتاب، خطبه ها و... که به طور ناقص و گزینشی از سوی شریف رضی، رضوان الله علیه، آورده شده، از مصادرش به صورت کامل و تمام. البته با جداسازی متن نهج البلاغه و مطالب اضافه شده. آورده شده است].

نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه

از جمله استدرک هایی که در قرن حاضر برای نهج البلاغه تدوین شده است، کتاب ارزشمند «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» - در دوازده جلد - است.

مؤلف محترم آن، شیخ محمد باقر محمودی نام دارد. ایشان، حدود هفتاد و دو سال قبل در روستای اعلامرودشت - از توابع شهرستان لامرد در استان فارس - به دنیا آمد. در نوزده سالگی، به دلیل شوق به تحصیل علوم الهی، راهی نجف اشرف می شود. پس از طی مرحله ی سطح حوزه، در درس خارج آیات عظام سید محمود شاهرودی و آقامیرزا باقر زنجانی و شیخ حسن حلی و میرزا عبدالهادی شیرازی و حکیم، حاضر شد و با تقویت مبانی علمی خویش، به درجه ی اجتهاد نائل شد.

آثار علمی ایشان، هر چند نوعاً تصحیح کتاب هایی است که در مناقب اهل بیت علیهم السلام و اثبات حقانیت

استاد محمودی، در ابتدا قصدشان

این بود که در کتاب حاضر،

مطالب نهج البلاغه را همراه با مصدر هاشان - که او یافته بود. نیز بگنجانند، اما با مشاهده کتاب «مصادر نهج البلاغه» از سید عبدالزهراء الخطیب - که تالیف آن مصادف با تدوین زحمات جناب آقای محمودی بوده - منصرف می شوند و بر آن ها حلیه کتابی جدید به نام «اسانید نهج البلاغه و شواهد» را می پوشانند.

این تنظیم دو ثمره دارد: یکی این که زندگی نامه حضرت را پیشدیده خواننده می گذارد و دوم این که دست یابی بر مطالب، آسان می شود؛ یعنی اگر کسی بخواهد بداند که از حضرت، در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله چه چیزی باقی مانده، لازم نیست تمام کتاب را مطالعه کند، بلکه با مراجعه به بخشی خاص، گمشده ی خویش را می یابد.

تنظیم شده که شرح آن چنین است :

باب نخست: خطبه های حضرت و یا سخنان طولانی که مانند خطبه اند (جلدهای ۱ و ۲ و ۳)؛

باب دوم: نامه ها و آن چه مانند نامه است (جلدهای ۴ و ۵)؛

باب سوم: دعا و مناجات (جلد ۶)؛

باب چهارم: وصایا (جلدهای ۷ و ۸)؛

باب پنجم: کلمات کوتاه (جلدهای ۹ و ۱۰ و ۱۱)؛

باب ششم: اشعار (جلد ۱۲).

اساس کار استاد محترم، تنظیم تاریخی مطالب است،

لذا مثلا خطبه ها به دو بخش تقسیم شده است: بخش نخست، خطبه هایی را شامل است که تاریخ صدور آن ها روشن است و بخش دوم، دربرگیرنده ی خطبه هایی است که زمان شان نامشخص است.

در بخش نخست هم، جناب ایشان، با توجه به قرآن داخلی و خارجی و... هر خطبه ای را که زمان صدورش از دیگری جلوتر است، مقدم داشته است.

این تنظیم دو ثمره دارد: یکی این که زندگی نامه ی حضرت را پیشدیده خواننده می گذارد و دوم این که دست یابی بر مطالب، آسان می شود؛ یعنی اگر کسی بخواهد بداند که از حضرت، در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله چه چیزی باقی مانده، لازم نیست تمام کتاب را مطالعه کند، بلکه با مراجعه به بخشی خاص، گمشده ی خویش را می یابد.

با مطالعه ی کتاب، آشکار می شود که از سخنان و نوشته های حضرت علیه السلام در زمان پیش از خلافت ظاهری شان، متأسفانه مقدار ناچیزی به دست ما رسیده است.

درباره ی گزینش روایات و درج آن ها در کتاب، از نظر اعتبار و... استاد فرموده اند:

باید بگویم که من، هر کلمه ای از آن حضرت را که از سنخ سخن او بوده و امکان صدور داشته و دلیلی بر نفی صدور آن نداشته ام، درج کرده ام، هر چند شاهی بر حجیت آن نداشته ام و دلیل اثبات اش و مصدرش، صالح برای حجیت نبوده اند، یا راوی اش مورد اعتماد نبوده است.

البته در این موارد، اشاره به وضعیت منقول می کنم تا بلکه روزی، اهل تحقیق، مصدر موثقی، یا سند مورد اعتمادی برای آن بیابند یا دلیلی خارجی بر صدق آن منقول، پیدا شود.

همین جا اضافه کنم که بنده در کارم، به پرمحتوا و نغز و پرمغز بودن کلام، اهمیت داده ام و نه زیبا و لطیف و در اوج بلاغت بودن آن. بنابراین، از نظر حجم، از اثر سید رضی رحمه الله گسترده تر، اما از حیث بلاغت، در مجموع، فرودست تر است.

این را گفتم تا روشن شود که بنده هم، هر مطلبی را به صرف نسبت به آن حضرت، نقل نکرده ام...

در هر حال اغلب آن چه آورده ایم، قطعی الصدور هستند، ولی در مورد بقیه، چنین ادعایی نمی توان کرد.^۲

تذکر

۱- با توجه به این که معیار جناب استاد در نقل روایات، جنبه ی بلاغی آن نبوده است، به نظر نمی رسد که این کتاب را بتوان مستترک نهج البلاغه نامید؛ زیرا، مستترک، کتابی جدید است که برای تکمیل کتاب قبلی طبق معیار مولف آن، نوشته شده است.

۲- در کتاب، از جناب آقای «عزیز آل طالب» به عنوان مصحح نام برده شده، اما توضیح داده نشده که نقش او در چاپ جدید این کتاب چیست!

در پایان، از ایزد منان، دوام توفیق حضرت استاد و طول عمر و سلامتی ایشان را خواستاریم.

پانویس ها:

۱- منظور کتاب «خصائص الائمة عليهم السلام - خصائص امیرالمومنین علی ابن ابی طالب عليهم السلام» است.

۲- چاپ پیشین، در هشت جلد در نجف و لبنان، صورت گرفته است.

۳- علوم حدیث، ش ۴، ص ۱۵۰-۱۵۱، گفت و گو با آیه الله محمدباقر محمودی.

